تحلیل

قیمت نفت برنت به ۸۸ دلار رسید

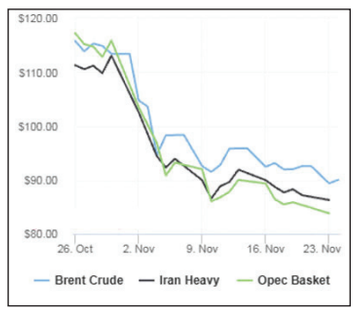

قیمت نفت خام در معاملات روز سه‌شنبه، تحت تاثیر نگرانی‌ها درباره افزایش عرضه نفت خام و احتمال مازاد عرضه در بازار، برای دومین روز متوالی، کاهش یافت. به گزارش ایسنا، قیمت نفت خام برنت با ۶۶ سنت معادل ۰.۷ درصد کاهش، به ۸۸ دلار و ۷۱ سنت در هر بشکه رسید. این شاخص روز دوشنبه در نزدیکی پایین‌ترین سطح سه‌ماهه اخیر بسته شده بود. قیمت معاملات آتی نفت خام «وست تگزاس اینترمدیت» (WTI) امریکا نیز پس از ثبت پایین‌ترین سطح خود از ۲۶ اوت در معاملات روز جاری، در ادامه با ۶۰ سنت معادل ۰.۸ درصد کاهش، به ۷۹.۵۷ دلار در هر بشکه کاهش یافت. مناقشه‌ای که با تجاوز نظامی امریکا و رژیم صهیونیستی به ایران در اواخر فوریه، آغاز شد، همچنان از قیمت نفت حمایت می‌کند. سوورو سارکار، رییس بخش تحقیقات انرژی در بانک «دی‌بی‌اس» (DBS)، گفت: نفت برنت در روزهای اخیر تا حد زیادی نیروی محرکه صعودی خود را از دست داده است، زیرا با وجود تداوم بسته بودن تنگه هرمز، شرایط عرضه همچنان مناسب ارزیابی می‌شود و بازار در حال سنجش احتمال مازاد عرضه در آینده است. وی افزود: با این حال، نمی‌توان احتمال افزایش دوباره قیمت‌ها را نادیده گرفت، زیرا مذاکرات صلح در خاورمیانه پیشرفتی نداشته است. براساس گزارش رویترز، رییس شرکت ملی نفت لیبی روز دوشنبه اظهار کرد: در تحولی دیگر، خط لوله نفتی شراره لیبی پس از آنکه یک گروه غیرقانونی شیر این خط لوله را بسته بود، دوباره بازگشایی شد و جریان نفت به مخازن ذخیره‌سازی تاسیسات آکاکوس در شهر زاویه از سر گرفته شد. با وجود اینکه بهبود عرضه نفت، بر قیمت‌ها فشار وارد می‌کند، اما تحلیلگران بر این باورند که بازار نفت همچنان در شرایط شکننده‌ای قرار دارد. دانیل هاینز، استراتژیست ارشد کالا در بانک «ای‌ان‌زد» (ANZ)، در یادداشتی برای مشتریان اعلام کرد: با وجود بهبود نسبی سطح ذخایر و دسترسی به فرآورده‌های نفتی، بازار نفت همچنان با فشار شدیدی مواجه است. هاینز، افزود: قیمت نفت، اختلاف قیمت قراردادهای آتی در سررسیدهای مختلف، حاشیه سود پالایشگاه‌ها و موقعیت‌گیری سرمایه‌گذاران، نشان می‌دهند که بازار انتظار عادی‌شدن شرایط را دارد. با این حال، محدودیت‌های لجستیکی همچنان پابرجاست و ذخایر احتیاطی نیز در سطح پایینی قرار دارند. بنابراین، به نظر می‌رسد بازار نفت در حال عبور از مرحله کمبود شدید عرضه به سمت آسیب‌پذیری مستمر است و هنوز به شرایط عادی بازنگشته است. در این بین، دویچه‌بانک در گزارشی اعلام کرد: ذخایر جهانی نفت و سایر مایعات هیدروکربنی قابل رصد در اکتبر ۵۲ میلیون بشکه افزایش یافته است که نشان‌دهنده مازاد عرضه روزانه ۱.۷ میلیون بشکه‌ای در بازار است. با این حال این بانک خاطرنشان کرد اگرچه شواهد بیشتری از برقراری تعادل مجدد در بازار جهانی نفت و حرکت آن به سمت مازاد عرضه مشاهده می‌شود، اما بروز اختلالات جدید می‌تواند این روند را به تاخیر بیندازد. همچنین نتایج نظرسنجی اولیه رویترز از تحلیلگران نشان می‌دهد ذخایر نفت خام و فرآورده‌های نفتی امریکا احتمالا طی هفته گذشته افزایش یافته است.

ادامه از صفحه اول

چشم‌انداز بازار جهانی

با این حال، در سناریوی میان‌مدت و بلندمدت، چرخه‌های قیمتی اونس جهانی همچنان می‌توانند نقش مهمی در تعیین جهت کلی بازار داخلی داشته باشند؛ هر چند تغییرات نرخ ارز ممکن است زمانبندی اصلاحات و فرصت‌های ورود را دستخوش تغییر کند. در مجموع، به نظر می‌رسد بازار جهانی طلا در حال عبور از یک مرحله مهم از چرخه قیمتی خود است و سرمایه‌گذاران نباید صرفا با تکیه بر رشدهای گذشته، نسبت به ادامه صعود قیمت‌ها خوشبینی بیش از اندازه داشته باشند. سناریوی محتمل می‌تواند ابتدا ادامه فرآیند اصلاحی، سپس ورود به یک دوره خنثی و نوسانی و در نهایت شکل‌گیری فرصت‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری بلندمدت باشد. بر همین اساس، در شرایط فعلی صبوری، حفظ نقدینگی و پرهیز از خریدهای هیجانی اهمیت بیشتری نسبت به تلاش برای شناسایی کف دقیق بازار دارد. در واقع، فرصت‌های جذاب سرمایه‌گذاری لزوما در روزهای اوج خوشبینی و رشدهای پرشتاب بازار شکل نمی‌گیرند، بلکه بسیاری از موقعیت‌های مناسب زمانی ایجاد می‌شوند که هیجانات فروکش کرده، قیمت‌ها به تعادل نسبی رسیده و سرمایه‌گذاران با دیدگاهی منطقی‌تر به ارزیابی فرصت‌ها می‌پردازند؛ بنابراین می‌توان انتظار داشت که با آرام‌تر شدن شرایط بازار و شکل‌گیری ساختارهای قیمتی قابل اتکا، به تدریج فرصت‌های مناسبی برای ورود پله‌ای و سرمایه‌گذاری بلندمدت در بازار طلا فراهم شود.

ایده مهار تورم در غیاب شفافیت آماری

در نهایت فکت‌ها، داده‌ها و رویدادهای اخیر نشان می‌دهد که فاصله عمیقی میان ادبیات تریبون‌های رسمی و نبض میدانی اقتصاد وجود دارد. برخلاف تمایل قلبی ما به عنوان پژوهشگر، داده‌های واقعی پولی، تورم ماهانه ۵ درصدی، انتظارات لجام‌گسیخته، تکانه‌های بی‌پایان ارزی و سرریز شاخص‌های نهاده‌های ساختمانی، هیچ‌کدام مهر تأییدی برادعای پیروزی سیاستگذاران نمی‌زنند. رساندن تورم به دامنه‌ای معقول و مهارپذیر ظرف شش ماه تا یک سال آینده، با ابزارهای موجود و در شرایط استمرار انزوای اطلاعاتی، توهمی بیش نیست؛ مگر آنکه واقعیت‌های برون‌زا تغییر کنند و جرات مواجهه صادقانه با داده‌ها در نظام حکمرانی احیا شود.

گزارش «تعادل» از ارقام بر لبه پرتگاه انرژی

چرا بازار نفت تسلیمِ پیش‌بینی‌ها نمی‌شود؟



بازارهای جهانی نفت این روزها اسیر پارادوکسی غریب و دوگانه شده‌اند؛ رویارویی سرد مدل‌های ریاضی روی کاغذ با واقعیت ملتهب و پر از دود باروت در آبراه‌های استراتژیک بین‌المللی. موسسات و رصدخانه‌های آماری غرب، از آژانس بین‌المللی انرژی گرفته تا بازوهای آماری وزارت انرژی امریکا، چندی است که با تعدیل‌های ناگهانی در جدول‌های خود، زنگ پایان دوران کسری عرضه را نواخته و شیپور شکل‌گیری «مازاد عرضه» در پایان پاییز ۲۰۲۶ را به صدا درآورده‌اند. تالارهای معاملاتی لندن و نیویورک نیز طبق معمول به اعداد تابلوی اعلان شتاب‌زده پاسخ دادند؛ نفت برنت سقوطی ۳.۵ درصدی و وست تگزاس افتی بیش از ۵.۵ درصدی را تجربه کردند تا قیمت‌ها به کفی سه‌ماهه تنزل کند. اما آیا این فرود قیمتی، بازتاب واقعیت جریان فیزیکی هیدروکربن است یا صرفاً واکنش به شبحی که روی کاغذ ترسیم شده اما هرگز پا به عرشه نفتکش‌ها نگذاشته است؟

کافی است به نوسان عجیب برآوردهای آژانس بین‌المللی انرژی در فاصله چند هفته نگاهی بیندازیم تا سستی بنیان تحلیل‌های فعلی آشکارتر شود. نهادی که تا پیش از این برای سه‌ماهه چهارم سال ۲۰۲۶، کسری دلهره‌آور روزانه ۱.۸ میلیون بشکه‌ای را نوید می‌داد، ناگهان در چرخشی معنادار، اعلام کرد که بازار با مازاد عرضه ۱.۷ میلیون بشکه‌ای روبه‌رو خواهد شد؛ چرخشی ۳.۳ میلیون بشکه‌ای در بازه‌ای کوتاه که تولید جهانی را در سطح ۱۰۵.۴ میلیون بشکه تثبیت‌شده فرض می‌کند. در واشنگتن نیز اداره اطلاعات انرژی خط مشی مشابهی را پیش گرفته و کسری مورد انتظار قبلی را با سناریوی انباشت ذخایر جایگزین کرده و حتی از متورم شدن ذخایر جهانی به میزان ۳.۵ میلیون بشکه در روز طی نیمه نخست سال ۲۰۲۷ سخن می‌گوید. این ارقام به ظاهر نویدبخش اشباع بازارند، اما منشأ این نفت فرضی کجاست؟ گزارش‌ها به جهش تولید کشورهای عضو اوپک پلاس به رهبری ریاض و بغداد اشاره دارند و نشان می‌دهند که حجم ظرفیت متوقف‌شده در منطقه حساس خلیج‌فارس از بیش از ۱۰ میلیون بشکه در بهار امسال، اکنون به کانال ۲.۵ میلیون بشکه در روز تنزل یافته است. ارزیابی اولیه این اعداد، تصویر بازگشت پرقدرت طلای سیاه را به ذهن متبادر می‌کند، اما واقعیت در زنجیره ارزش و لجستیک، روایت دیگری دارد. مساله بنیادینی که نهادهای آماری غربی تعمداً یا بر اثر غفلت محاسباتی از آن عبور می‌کنند، تمایز حیاتی میان «نفت پمپ‌شده به مخازن ساحلی» و «نفت تحویل‌شده به پالایشگاه‌های مقصد» است. تولید بیشتر به هیچ‌وجه به معنای دسترسی فوری خریداران در شرق دور یا بنادر قاره سبز نیست. واقعیت‌های میدانی امروز دریا نشان می‌دهد که بحران در گلوگاه‌های کلیدی، شریان‌های صادراتی را در مضیقه‌ای بی‌سابقه گرفتار کرده است. ناوگان جهانی نفتکش‌های غول‌پیکر با کمبود حاد روبه‌رو است؛ بیمه دریایی در آبراه‌های ناامن به ارقامی سرسام‌آور رسیده و هزینه حمل‌ونقل دریایی رکوردهای تاریخی را جابه‌جا کرده است. افزون بر این، آسیب‌های زیرساختی ناشی از تنش‌های ادامه‌دار و ناامنی مداوم کریدورها، جریان معمول تردد شناورها را فلج کرده است. هنگامی که ظرفیت ذخیره‌سازی تجاری و استراتژیک در مقیاس جهانی طی ماه‌های ملتهب گذشته ته کشیده و خط اطمینان انبارها به نازک‌ترین لایه ممکن رسیده، حتی اگر شیرهای سرچاهی با تمام توان باز شوند، بازار فیزیکی فرصت تنفس و بازیابی نخواهد داشت. این نفت روی کاغذ وجود دارد، اما به دلیل انسداد گلوگاه‌ها و فقدان شناور، راهی به بازارهای مصرف نمی‌یابد؛ بنابراین اعلام مازاد عرضه، بیشتر به توهمی بروکراتیک شبیه است تا واقعیتی ملموس در مخازن پالایشگاه‌ها. در بعد دیگر این معادله، تناقضی حیرت‌انگیز در سناریوپردازی تقاضای جهانی خودنمایی می‌کند. فاصله ارزیابی‌ها میان دبیرخانه اوپک و آژانس بین‌المللی انرژی برای سال ۲۰۲۷ به ۴ میلیون بشکه در روز رسیده است؛ رقمی معادل کل تولید یک تولیدکننده کلیدی نفت در منطقه! آژانس تقاضای سال آینده را در سطح محتاطانه ۱۰۴.۳ میلیون بشکه مهار کرده و تنها تکیه‌گاه رشد آن را نیاز صنایع پتروشیمی به خوراک‌های هیدروکربنی می‌داند، درحالی که مصرف فرآورده‌های حمل‌ونقلی نظیر بنزین و گازوییل را تقریباً ایستا ارزیابی می‌کند. در نقطه مقابل، اوپک با پیش‌بینی جسورانه ۱۰۸.۳ میلیون بشکه در روز، معتقد است عطش اقتصاد جهانی و ظرفیت جذب تقاضا بسیار فراتر از گمانه‌زنی‌های بدبینانه غربی‌هاست. حتی اگر تفاوت‌های روش‌شناختی دو نهاد در نحوه احتساب مایعات گازی و میعانات را در نظر بگیریم، این شکاف ۴ میلیون بشکه‌ای نشان‌دهنده ابهامی استراتژیک است. آینده مسیر قیمت‌ها دقیقا در گرو همین نبرد تخمین‌هاست: آیا اقتصاد جهان کشش بلعیدن نفت‌های معطل‌مانده را خواهد داشت، یا با کندی اقتصادی، کف قیمت‌ها شکسته می‌شود؟ تا زمانی که این تقاضا روشن نشود، برآورد مازاد عرضه تنها یک گمانه‌زنی پرریسک باقی می‌ماند. نگاهی گذرا به بازار گاز طبیعی، عمق آسیب‌پذیری ساختار انرژی بین‌المللی را شفاف‌تر می‌سازد. اروپا در آستانه ورود به ماه‌های سرد سال، با بحرانی خاموش در حوزه امنیت انرژی دست‌به‌گریبان است. سطح ذخیره‌سازی گاز اتحادیه اروپا به حدود ۷۰ درصد ظرفیت محدود مانده که فاصله‌ای ۱۸ درصدی با میانگین تاریخی پنج‌ساله دارد. از سوی دیگر، اختلال شدید در صادرات گاز مایع (LNG) قطر که همچنان در سطحی حدود یک‌سوم پیش از آغاز درگیری‌های نظامی در منطقه سیر می‌کند شوک عرضه را به پدیده‌ای روزمره بدل ساخته است. بازار گاز مانند یک آینه، سرنوشت محتوم بازارهای هیدروکربنی متصل به خاورمیانه را نشان می‌دهد؛ منطقه‌ای که اگر ثبات از آن رخت بربندد، انبارها در هزاران کیلومتر آن‌سوتر به سرعت خالی می‌شوند. مجموع نشانه‌ها بیانگر آن است که بازار جهانی انرژی نه در مسیر آرامش، بلکه در مرکز برخورد دو بردار ناهمسو گرفتار آمده است:

بردار نخست، فشارهای روانی ناشی از گزارش‌های آماری غرب و شتاب‌زدگی برخی اعضای اوپک پلاس برای بازپس‌گیری سهم بازار است که روی کاغذ شبح مازاد عرضه و افت قیمت را بازنمایی می‌کند.

بردار دوم، اما، واقعیت ملموس ژئوپلیتیک است؛ تداوم گره‌های کور در تنگه هرمز، ناامنی ممتد مسیرهای ناوبری دریایی، احتمال بن‌بست کامل مذاکرات سیاسی و ریسک‌های فزاینده هدف قرار گرفتن زیرساخت‌ها.

اگرچه موسسات مالی با فرض بازگشت خوش‌بینانه شرایط به روال عادی، چشم‌انداز سال ۲۰۲۷ را نزولی ترسیم می‌کنند، اما حفظ پایدار «صرف ریسک ژئوپلیتیک» در قیمت هر بشکه نفت اجتناب‌ناپذیر است. بازار نفت ممکن است در مقاطعی با امواج اخبار منفی و افتتاحیه‌های آماری سر تسلیم فرود آورد، اما تا زمانی که سایه سنگین باروت از آبراه خلیج‌فارس برچیده نشود و ترافیک آزاد نفتکش‌ها احیا نگردد، مازاد عرضه تنها یک توهم کاغذی باقی خواهد ماند.

واقعیت بازار را نه صفحات پی‌دی‌اف نهادهای پاریس و واشنگتن، بلکه عمق آبراه‌ها، امنیت خطوط کشتیرانی و اراده سیاسی حاکم بر شریان حیاتی انرژی جهان تعیین خواهد کرد؛ معادله‌ای که اگر ثبات از آن رخت بربندد، انبارها در هزاران کیلومتر آن‌سوتر به سرعت خالی می‌شوند. مجموع نشانه‌ها بیانگر آن است که بازار جهانی انرژی نه در مسیر آرامش، بلکه در مرکز برخورد دو بردار ناهمسو گرفتار آمده است:

بردار نخست، فشارهای روانی ناشی از گزارش‌های آماری غرب و شتاب‌زدگی برخی اعضای اوپک پلاس برای بازپس‌گیری سهم بازار است که روی کاغذ شبح مازاد عرضه و افت قیمت را بازنمایی می‌کند.

بردار دوم، اما، واقعیت ملموس ژئوپلیتیک است؛ تداوم گره‌های کور در تنگه هرمز، ناامنی ممتد مسیرهای ناوبری دریایی، احتمال بن‌بست کامل مذاکرات سیاسی و ریسک‌های فزاینده هدف قرار گرفتن زیرساخت‌ها.

اگرچه موسسات مالی با فرض بازگشت خوش‌بینانه شرایط به روال عادی، چشم‌انداز سال ۲۰۲۷ را نزولی ترسیم می‌کنند، اما حفظ پایدار «صرف ریسک ژئوپلیتیک» در قیمت هر بشکه نفت اجتناب‌ناپذیر است. بازار نفت ممکن است در مقاطعی با امواج اخبار منفی و افتتاحیه‌های آماری سر تسلیم فرود آورد، اما تا زمانی که سایه سنگین باروت از آبراه خلیج‌فارس برچیده نشود و ترافیک آزاد نفتکش‌ها احیا نگردد، مازاد عرضه تنها یک توهم کاغذی باقی خواهد ماند.

واقعیت بازار را نه صفحات پی‌دی‌اف نهادهای پاریس و واشنگتن، بلکه عمق آبراه‌ها، امنیت خطوط کشتیرانی و اراده سیاسی حاکم بر شریان حیاتی انرژی جهان تعیین خواهد کرد؛ معادله‌ای که اگر ثبات از آن رخت بربندد، انبارها در هزاران کیلومتر آن‌سوتر به سرعت خالی

یک کارشناس حوزه انرژی:

ساختار اقتصاد نفت‌خیز عامل اصلی بالا بودن شدت مصرف انرژی است

یک کارشناس حوزه انرژی با تحلیل ریشه‌های ناترازی انرژی در ایران، گفت: ماهیت اقتصاد نفت‌خیز و وابستگی به سوخت‌های فسیلی، منجر به بالا رفتن شاخص شدت مصرف شده و مدیریت توازن در شبکه را در مواجهه با ناترازی‌های فصلی دشوار کرده است. علیرضا کفش‌کنان در گفت‌وگو با ایسنا، درباره بالا بودن شدت مصرف انرژی در کشور، اظهار کرد: شدت مصرف انرژی یعنی میزان انرژی مصرف‌شده به ازای هر واحد تولید ناخالص داخلی (GDP) است. به عبارت ساده‌تر، این گونه محاسبه می‌شود که در ازای هر واحد تولید کالا یا خدمات، چه مقدار انرژی صرف شده است. هرچه این عدد کمتر باشد، نشان‌دهنده توسعه‌یافتگی بیشتر یک کشور است. از این رو شدت مصرف انرژی در ایران بسیار بالاست و بین ۲ تا ۲.۵ برابر میانگین جهانی است. این موضوع نشان می‌دهد که با نرخ بسیار بالایی از اتلاف انرژی در فرآیند تولید و مصرف مواجه هستیم.

وی افزود: دسترسی گسترده به انواع انرژی‌های فسیلی و تجدیدپذیر، نباید باعث غفلت از مدیریت آنها شود. ایران از نظر برخورداری از نعمت‌های خدادادی در انواع انرژی‌ها، از نفت و گاز گرفته تا انرژی‌های خورشیدی، بادی و زمین‌گرمایی، بسیار خوشبخت است. متأسفانه از سوی دیگر، این دسترسی آسان سبب شده که در مدیریت مصرف دچار مشکل شویم. این کارشناس حوزه انرژی با اشاره به ریشه‌های تاریخی این مساله تصریح کرد: از زمانی که استخراج نفت در این کشور آغاز شد، به دلیل در دسترس بودن سوخت‌های فسیلی، تفکر مصرف بهینه از همان ابتدا در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشور نهادینه نشد. امروز در تمام بخش‌ها، اعم از خانوارها، بخش‌های تجاری، کشاورزی و صنایع، با پدیده بد مصرفی مواجه هستیم. وی به بررسی رفتارهای متناقض مصرف‌کنندگان در مواجهه با تغییرات فصلی پرداخت و گفت: یکی از نمونه‌های بارز بد مصرفی، مدیریت دمای محیط در فصول سرد و گرم سال است. در کشورهای توسعه‌یافته، مانند اروپا، برای صرفه‌جویی در انرژی، دمای محیط در زمستان روی ۱۶ درجه تنظیم می‌شود، اما در ایران با دمای رفاه بسیار بالاتری در محیط‌های خانگی و اداری برخورد می‌کنیم. در حالی که استاندارد دمای رفاه در زمستان بین ۱۸ الی ۲۱ درجه است، اما در ایران با دمای بسیار بالاتر مبارزه می‌کنیم. همچنین در تابستان، با وجود اینکه دمای ۲۱ الی ۲۴ درجه قابل تحمل است، با استفاده از سیستم‌های سرمایشی با برودت بسیار بالا، دما را به ۱۶ یا ۱۷ درجه می‌رسانیم. این رفتارها نشان‌دهنده یک تضاد رفتاری در مدیریت انرژی است که مستقیما بر شدت مصرف اثر می‌گذارد. اصلاح این روند نیازمند تغییر در فرهنگ مصرف و همچنین اصلاح ساختارهای مصرفی در صنایع و بخش‌های دولتی است تا بتوان شدت مصرف را به سطوح جهانی نزدیک کرد. یک کارشناس حوزه انرژی: ساختار اقتصاد نفت‌خیز عامل اصلی بالا بودن شدت مصرف انرژی است کفش‌کنان با اشاره به نقش تجهیزات در شدت مصرف، تأکید کرد: استفاده از سیستم‌های قدیمی و کم‌بازده، یکی از اصلی‌ترین دلایل هدررفت انرژی است. در ایران همچنان با تجهیزات فرسوده و پرمصرف در تمام بخش‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنیم. حتی در بخش روشنایی، هنوز در بسیاری از خیابان‌ها و محیط‌ها، چراغ‌های قدیمی و پرمصرف جای خود را به سیستم‌های بهینه نداده‌اند. در بخش کشاورزی، پمپ‌های چاه‌های بسیار پرمصرف و در بخش صنعت نیز تجهیزات و ماشین‌آلات قدیمی، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در بالا رفتن شاخص شدت مصرف برق و گاز ایفا می‌کنند.

این کارشناس حوزه انرژی با انتقاد از رویکرد جدید در معماری ساختمان‌ها، از پدیده پرت حرارتی در سازه‌های مدرن سخن گفت و اظهار کرد: یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌ها، نادیده گرفتن اصول اقلیمی در طراحی ساختمان‌هاست. امروزه ساختمان‌های تمام‌شیشه‌ای می‌سازیم که در تابستان نیاز به سرمایش بسیار شدیدی دارند و در زمستان نیز به سختی گرم می‌شوند. این مدل طراحی، برخلاف معماری سنتی ایران، جریان هوا را مدیریت نمی‌کند و منجر به هدررفت عظیم انرژی می‌شود. در معماری اصیل ایران، از بادگیرها و ساختارهای کروی و گنبدی استفاده می‌شد که علاوه بر گردش طبیعی هوا به‌طور هوشمندانه از پرت حرارت جلوگیری می‌کند. حتی در مناطق کویری، با استفاده از دانش بومی، سیستم‌هایی برای سیرکول هوا و مدیریت دما مانند استفاده از آب و یخ ایجاد شده بود که پاسخگوی نیازهای اقلیم گرم و خشک بود.

وی با بیان اینکه بسیاری از ساختمان‌های عمومی و اداری مدرن، فاقد سیستم‌های مناسب برای گردش هوا هستند، گفت: در بسیاری از ساختمان‌های با طبقات بالا، به دلیل عدم توجه به جریان هوا، محیط دچار دمای بسیار بالا و حس خفگی می‌شوند. به جای استفاده از پتانسیل‌های طبیعی اقلیم، تمام بار سرمایش یا گرمایش بر دوش سیستم‌های مکانیکی است که این خود به معنای افزایش بی‌رویه شدت مصرف انرژی محسوب می‌شود. متخصصان و معماران باید با بازنگری در الگوهای ساخت‌وساز و بهره‌گیری از دانش اقلیمی، طراحی‌هایی را ارایه دهند که علاوه بر تأمین رفاه، از هدررفت انرژی و پرت حرارتی در ساختمان‌ها جلوگیری کند.

کفش‌کنان با اشاره به نقش صنایع انرژی‌بر در شاخص شدت مصرف، بیان کرد: صنایع فولاد، مس، آلومینیوم، پتروشیمی و سیمان، بیشترین میزان مصرف انرژی را در کشور دارند. مشکل اصلی در این صنایع، میزان بسیار بالای پرت حرارتی است که علاوه بر اتلاف انرژی، عامل مهمی در آلودگی هوا محسوب می‌شود. در فرآیند تولید کلینکر و در بخش پیش‌گرم کن‌های کوره‌ها، حجم عظیمی از حرارت و هوا هدر می‌رود. در بسیاری از کشورهای جهان، از سیستم‌های بازیافت حرارت (WHR) استفاده می‌شود که می‌تواند تا ۳۰ درصد نیاز برق واحدهای سیمان را از همین حرارت هدررفته تأمین کند، اما در ایران هنوز در استفاده از این فناوری‌ها با چالش روبه‌رو هستیم. این کارشناس حوزه انرژی با اشاره به ظرفیت‌های بلااستفاده در بخش نیروگاهی، افزود: در نیروگاه‌های گازی، پتانسیل بالایی برای تبدیل به سیکل ترکیبی وجود دارد. با استفاده از خروجی حرارتی نیروگاه، می‌توان بویلر تولید بخار را به حرکت درآورد و برق بیشتری تولید کرد. اگرچه در سال‌های اخیر گام‌هایی برداشته شده، اما همچنان نیاز مبرم به تعدادی از نیروگاه‌های بزرگ و همچنین بسیاری از نیروگاه‌های کوچک را به سیستم‌های سیکل ترکیبی (CHP) تبدیل کنیم تا از حرارت خروجی برای تولید بخار و برق استفاده کنیم. اگرچه قوانین و مشوق‌های سرمایه‌گذاری برای این پروژه‌ها تدوین شده است، اما اجرای طرح‌های بهینه‌سازی در صنایع و ساختمان‌ها همچنان نیازمند تسریع بیشتر است. باوجود توجهات صورت گرفته در برنامه هفتم توسعه، هنوز فاصله زیادی با رسیدن به اهداف مطلوب داریم.

کفش‌کنان، به یک تحلیل ساختاری اشاره و اظهار کرد: یکی از دلایل بنیادین بالا بودن شدت مصرف انرژی در ایران، ماهیت اقتصاد نفت‌خیز این کشور است. کشورهایی که اقتصاد آنها بر محور سوخت‌های فسیلی، پتروشیمی و صنایع نفت می‌چرخد، به‌طور طبیعی شدت مصرف انرژی بالاتری نسبت به کشورهای غیرنفت‌خیز دارند. با این حال، شدت مصرف در ایران حتی نسبت به سایر کشورهای نفت‌خیز نیز به مراتب بالاتر است که نشان‌دهنده ضرورت بازنگری جدی در سیاست‌های مدیریت مصرف و بهینه‌سازی در تمام سطوح کشور است.

این کارشناس انرژی با اشاره به روند بهبود در مدیریت شبکه، خاطرنشان کرد: باید تلاش کرد که شدت مصرف را به میانگین‌های جهانی نزدیک کنیم. درست است که در هر کشوری تلفات شبکه برق و گاز وجود دارد، اما در ایران شاهد پیشرفت‌هایی بوده‌ایم؛ برای مثال، تلفات شبکه برق از حدود ۲۱ درصد در سال‌های گذشته به حدود ۱۱ درصد رسیده است، اما هنوز برای رسیدن به استانداردهای کشورهای توسعه‌یافته که بین ۵ تا ۷ درصد است، فاصله زیادی داریم. یک کارشناس حوزه انرژی: ساختار اقتصاد نفت‌خیز عامل اصلی بالا بودن شدت مصرف انرژی است

وی در ادامه به وضعیت راندمان نیروگاه‌ها پرداخت و افزود: در حال حاضر راندمان نیروگاه‌های حرارتی کشور در حدود ۳۹ تا ۴۰ درصد است. در برنامه هفتم توسعه، هدف‌گذاری شده که این راندمان طی ۵ سال آینده به ۴۴ درصد برسد اما دستیابی به این هدف مستلزم سرمایه‌گذاری کلان، نوسازی تجهیزات فرسوده و انجام عملیات‌های بازسازی (Overhaul) در نیروگاه‌ها و صنایع است.

این کارشناس حوزه انرژی با تحلیل وضعیت فعلی تولید و مصرف، به یک ناترازی در حوزه‌های گاز، برق و بنزین اشاره کرد و ادامه داد: ظرفیت نیروگاهی کشور با ۱۰۳ هزار مگاوات، عدد بسیار بزرگی است، اما مشکل اصلی صرفا در تولید نیست؛ باید به دنبال مدیریت و بهینه‌سازی مصرف باشیم. اجرای طرح‌های بهینه‌سازی زمان‌بر است، اما برای عبور از بحران‌های فعلی اجتناب‌ناپذیر است.

کفش‌کنان با اشاره به پیامدهای ناترازی در ماه‌های اخیر، به تغییر سوخت نیروگاه‌ها و اکنش نشان داد و گفت: به دلیل فشار بر شبکه و ناترازی، از ابتدای آبان ماه، نیروگاه‌های گازی از سوخت اصلی خود محروم شده و به سمت سوخت‌های دوم مانند گازوییل و مازوت سوق داده شده‌اند. این تغییر سوخت، علاوه بر فشار بر شبکه، تبعات زیست‌محیطی جبران‌ناپذیری دارد و منجر به افزایش آلودگی هوا و آسیب به سلامت جامعه می‌شود. برای خروج از این چرخه، تنها افزایش تولید کافی نیست، بلکه اصلاح ساختار مصرف و سرمایه‌گذاری روی فناوری‌های بهینه‌ساز، تنها راه پایدار برای مقابله با بحران‌های انرژی در ایران است. وی با ارایه راهکاری عملی برای مقابله با بحران گاز در ایام سرد سال اظهار کرد: اگر تمامی خانوارها و محیط‌های کاری تلاش کنند تنها یک درجه از دمای محیط خود را (در محدوده‌ای که از دمای رفاه یعنی ۱۸ تا ۲۱ درجه کمتر نیست) کاهش دهند، می‌توانیم سالانه حدود ۲۵ میلیون متر مکعب در مصرف گاز صرفه‌جویی کنیم. این رقم در واقع معادل ظرفیت تولید یک فاز پارس جنوبی است. با توجه به اینکه در فصل زمستان، حدود ۷۰ درصد گاز کشور از پارس جنوبی تأمین می‌شود، این اقدام کوچک شهروندان می‌تواند به اندازه اضافه کردن یک فاز تولیدی جدید، به تأمین نیاز کشور کمک کند و مانع از توقف چرخ تولید شود.

این کارشناس انرژی با اشاره به شرایط ژئوپلیتیک منطقه، به دلیل‌های افزایش هزینه‌ها و فشار بر منابع اشاره کرد و گفت: تحولات اخیر و جنگ‌های تحمیلی در منطقه، مستقیما بر قیمت جهانی نفت و گاز تأثیر گذاشته است. نوسان قیمت نفت به بالای ۱۰۰ دلار و افزایش هزینه‌های انرژی در سطح جهانی، فشار اقتصادی را دوچندان کرده است. همچنین با کاهش تولید گاز مواجه هستیم. اگرچه با تلاش متخصصان توانسته‌ایم بخشی از تولید از دست رفته را بازگردانیم، اما همچنان با ناترازی جدی در روزهای اوج مصرف روبه‌رو هستیم. این ناترازی باعث شده تا از ابتدای آبان ماه، صنایع و نیروگاه‌ها به جای گاز، از سوخت‌های آلاینده مانند گازوییل و مازوت استفاده کنند که خود عامل آلودگی هواست و هزینه‌های اقتصادی سنگینی دارد.

کفش‌کنان مجموعه‌ای از راهکارهای کوتاه‌مدت و عملیاتی را برای شهروندان برشمرد و افزود: مدیریت دمای محیط، جلوگیری از پرت حرارتی، بهره‌گیری از تابش خورشید در روزهای آفتابی، از راهکارهای کوتاه‌مدت و عملیاتی برای شهروندان است، بنابراین این اقدامات ساده، در کنار مدیریت صحیح، می‌تواند از تعطیلی موقت صنایع در اوج سرما جلوگیری کرده و از آسیب به درآمدهای خانوارها و اقتصاد ملی پیشگیری کند.

رویداد

طرح‌های جدید کلید خورد

سال‌هاست بخشی از گازهای همراه نفت در مشعل‌ها می‌سوزد، ثروتی که به‌جای ورود به چرخه تولید و صنعت، به دود تبدیل می‌شود و حالا صنعت نفت با توسعه طرح‌های جمع‌آوری گازهای همراه، ورود سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و اجرای پروژه‌های بزرگ، بـه دنبال تغییـر این معادله اسـت که به خاموشی مشعل‌ها و کاهش آلودگی هوا کمک کند و با تبدیل گازهای هدررفته به سوخت، میلیاردها دلار ظرفیت اقتصادی را در خدمت تولید قرار دهد. به گزارش ایسنا، صدور مجوز اجرای ۶ طرح جدید برای جمع‌آوری گازهای ارسالی به مشعل، در کنار عبور ظرفیت جمع‌آوری گازهای همراه و مشعل از روزانه ۱۷ میلیون مترمکعب، بار دیگر موضوع مهار گازسـوزی و جلوگیری از هدررفت منابع ملی را به یکی از محورهای مهم صنعـت نفت تبدیل کرده است؛ برنامه‌ای که با مشـارکت بخش خصوصی، توسعه زیرساخت‌های فرآورشی و اجرای پروژه‌های بزرگ، دنبال می‌شـود. براساس اعلام وزارت نفت، در هفت تا هشـت ماه گذشته مجوز اجرای ۶ طرح کاهش گازهای ارسالی به مشعل صادر شده است. این طرح‌ها عمدتا در مقیاس کوچک تعریف شده‌اند و برای تسریع در اجرای آنها از ظرفیت سرمایه‌گذاران و شـرکت‌های بخش خصوصی استفاده می‌شود. همچنین پروژه‌هایی در مناطق عملیاتی، از جمله کوپال و چند پالایشـگاه گازی، در مراحل مختلف پیشـرفت قرار دارند و قراردادهای مربوط به برخی از آنها به امضا رسـیده است. گازهای همراه نفت از منابع ارزشمند انرژی کشور به‌شمار می‌روند که در صورت جمع‌آوری و فرآورش می‌توانند به خوراک صنایع پتروشیمی، سـوخت صنایع و محصولات با ارزش افزوده تبدیل شـوند. با این حال، سوزاندن این گازها عـلاوه بر اتلاف منابـع هیدروکربوری، پیامدهای محیط‌زیستی قابل توجهی نیز به همراه دارد. از همین رو، جمع‌آوری گازهای همراه و مشعل دیگر صرفاً یک برنامه محیط‌زیستی نیست، بلکه به بخشی از راهبرد اقتصادی صنعت نفت برای افزایش بهره‌وری، توسعه صنایع پایین‌دستی و ایجاد درآمد پایدار تبدیل شده است. طبق آمارهای اعلام‌شده، حجم جمع‌آوری گازهای همراه و مشعل در کشور از روزانه ۱۷ میلیون مترمکعب عبور کرده اسـت؛ ظرفیتی که بـا تکمیل پروژه‌های در دسـت اجرا می‌توانـد افزایش یابد. یکـی از پروژه‌های مهم در مسیر کاهش گازسوزی، طرح پتروپالایش دهلران یا NGL ۳۱۰۰ اس